

بازنمایی دین در فضای عمومی- فراغتی شهر

(مورد مطالعه: بوستان‌های شهر مشهد)

محمد مهدی واعظ موسوی (کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)

vaezmousavi@um.ac.ir

علی یوسفی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

yousofi@um.ac.ir

سوگند سدیدی (دانشجوی کارشناسی ارشد، پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)

sadidi.sogand@um.ac.ir

مهدیه معدنی (دانشجوی کارشناسی ارشد سیاست‌گذاری اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران)

mahdieh.madani78@gmail.com

چکیده

در این پژوهش بوستان‌ها و پارک‌ها به عنوان یکی از پرکاربردترین و جامع‌ترین عرصه‌های فراغتی، برای بررسی بازنمایی دین در فضای عمومی شهر مشهد انتخاب شده و علائم و عناصر دینی حاضر در آنها مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از تحقق و تجسم دین در چهار مقوله متمایز «احکام»، «هویت»، «عبادت» و «اخلاق» است که دسته آخر، کمترین تأکید و اهمیت را از حیث بازنمایی به خود اختصاص می‌دهد. ذیل مقوله احکام، آن دسته از علائمی قرار می‌گیرند که موازین فقهی و شرعی را در قالب دو لحن تهدیدی (سخت) و اقناعی (نرم) معطوف به جنسیت (با تأکید بر پوشش زنان و جداسازی محیط آنها) و حیوانات (با تأکید بر ممنوعیت حضور آنها در پارک) اعمال می‌کنند. مقوله هویت به آن علائمی اشاره دارد که از طریق تأکید بر نموده‌های مربوط به حرم امام رضا و مفاخر و علمای اسلامی دو هویت محلی (مشهدی-خراسانی) و ملی-ایرانی را با دین پیوند زده، و آن را بازنمایی می‌کند. مقوله عبادت، مفهوم عبودیت و بندگی را در دو معنای مناسکی و عرفانی محقق می‌سازد. مقوله اخلاقی نیز، بازنماینده آن دسته از ارزشهای کلان اخلاقی است که استنادات دینی پیدا کرده‌اند. بازنمایی این چهار مفهوم یا نوع دینی در فضای فراغتی را می‌توان تا حد زیادی مصداقی از حضور و نفوذ نهاد سیاست در فضای عمومی، و شکلی از سیاست فضا توسط قدرت مستقر دانست.

کلید واژه‌ها: دین علامتی، دین مادی شده، فضای عمومی، فضای فراغتی، قدرت

ایران همواره کشوری فهم شده که مذهب در آن نقش مهمی چه در عرضه سیاست و چه در عرصه اجتماع و فرهنگ بازی کرده است. از شکل گیری آیین میترائیسم و پس از آن، ظهور و گسترش دین زردشت و ارتباط موبدان با حکام برای قرن‌های متوالی گرفته، تا نفوذ اسلام و حاکمیت دولت‌های متعدد مسلمان در این جغرافیا که در نهایت به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ختم شد؛ همواره در این دوران‌ها نهاد دین و مذاهب مختلف در عرصه‌های متفاوت زندگی ایرانیان نقش پررنگی داشته‌اند. هرچند که طی دو دهه سال گذشته و از طریق گسترش ارتباط ایرانیان با دنیای غرب، جریان مدرنیته به طور فزاینده جایگاه خودش را در میان ایرانیان پیدا کرده و منجر به خصوصی شدن نسبی دین شده است (آبراهامیان، ۲۰۱۷)^۱، اما با این حال، انقلاب اسلامی ایران را باید نقطه عطفی دانست که پس از آن، دین‌ورزی و بروز آن، بعد سیاسی قدرتمندی پیدا کرد. چراکه در دوران بعد از انقلاب، روحانیت سازماندهی و تشکل سامان‌یافته‌تری یافت و با تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جدید، رسماً حاکمیت خصیصه مذهبی به خود گرفت (بشیریه، ۱۳۸۲). از آن پس، دین‌مدار کردن شهروندان، درونی سازی آن، اجرا و هدایت باورها و آئین‌های دینی از وظایف مهم و اولیه حکومت به حساب می‌آید. در این نظام متولیان دین از طریق رسانه جمعی و آموزش، ایدئولوژی خود را تبلیغ می‌کنند، (هوگلاند و رویس، ۱۹۸۴) ^۲ بر اجرای آن نظارت می‌کنند و در تلاشند تا با اعمال قدرت و سیاست‌ورزی، جمعیت بیشتری را نیز درگیر آن کنند (خلجی، ۲۰۱۱)^۳. چنین تلاشهایی، به طور ملموس و عینی، خودش را در تغییرات فضایی سطح شهرها که نمایانگر نوعی از سیاست فضا هستند، نشان می‌دهد.

در پس از انقلاب، شاهد نوعی از سیاست فضا بوده‌ایم که همانطور که فوکو با استفاده از مفهوم «زیست‌قدرت» نشان می‌دهد، بیانگر تکنیک‌های قدرتی است که حول حکومت فضا ساخته می‌شوند و روابط قدرت را بر انسان‌ها، چه به‌عنوان افراد و چه به‌عنوان انبوه اعمال می‌کنند و نمایش می‌دهند. در واقع می‌توان گفت حاکمیت ایران آگاهانه و ناآگاهانه از طریق کنترل فضا به مدیریت و کنترل مردم می‌پردازد تا توانایی‌ها و ظرفیت‌هایشان را برای مقاصد خاصی، مستقیم یا غیرمستقیم، بالا ببرد (ژلنیتس، ۱۳۹۵: ۲۸۷-۲۸۶). چنین سیاست‌های تغییرات فضایی، به ویژه در شهرهای مذهبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

1 Abrahamian
2 Hooglund & Royce
3 khalaji

مشهد به عنوان دومین شهر پر جمعیت ایران، با وجود حرم امام هشتم شیعیان، می‌تواند مهم‌ترین شهر دینی ایران خطاب شود، به گونه‌ای که هرساله چند ده میلیون زائر را به خود جلب می‌کند.^۱ متولیان این شهر همواره بر بعد معنوی و زیارتی آن تاکید کرده و در تلاش بوده‌اند تا ابعاد دیگر -همچون تفریحی و توریستی- بر بعد دینی آن غلبه پیدا نکند. نماینده‌ی رهبر ایران در مشهد (امام جمعه) همواره بر این امر تاکید داشته و دارد که این شهر «شهر گردشگری» و برای مثال «اجرای کنسرت» نیست (همشهری آنلاین، ۱۳۹۵؛ خیرگزاری دانشجو، ۱۳۹۸ و دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱). با این حساب انتظار می‌رود که فضاهای فراغتی شهر مشهد به‌طور ویژه‌تری سیاست دینی فضا را تجربه می‌کنند.

از مهم‌ترین و پرکاربردترین فضاهای فراغتی و عمومی در سطح شهر، پارک‌ها و بوستان‌ها هستند که با زیست روزمره مردم ارتباط دارند و فضای تعامل منجصر به فردی را بین کنشگران حاضر در پارک‌ها فراهم می‌کنند. در واقع پارک‌ها همواره جز مهمی از میدان و فضاهای عمومی شهر محسوب می‌شوند (تانکیس، ۱۳۹۴). فضای عمومی عرصه‌ای اجتماعی است که در آن افراد و اشیا مورد ادراک قرار می‌گیرند و مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهتگیری‌های ارزشی و هنجاری را نسبت به دیگری، محیط و اشیا تولید می‌کنند (هابرماس^۲، ۱۹۹۱: ۳۱). روابط اجتماعی را باید انتزاع‌های انضمامی‌ای فهم کرد که جز در فضا و از طریق فضا، موجودیتی نخواهند داشت. در واقع فضا به مثابه امر ادراک شده، امر تصور شده و امر زیسته بررسی می‌شود و این یعنی فضا امری فیزیکی، ذهنی و اجتماعی است که همواره در حال برساخت شدن است (گونواردنا و همکاران، ۲۰۰۸: ۲).

با چنین ادراکی از فضا، می‌توان انتظار داشت که با مطالعه فضای پارک‌های شهر مشهد به علامت‌ها و نشانه‌هایی بر می‌خوریم، که حکایت از سیاست دینی فضا دارد، نمودهایی عینی که می‌توان آنها را به تعبیر خلجی (۲۰۱۱) بخشی از «سرمایه نمادین دینی» دانست که در بعد از انقلاب، حاکمیت بیشترین حد آن را در اختیار گرفته و یگانه متولی قدرتمند آن شده است.

از مرور مطالعات پیشین، چه در آثار فارسی و چه در انگلیسی، اثر همانندی که به تحلیل محتوا یا تحلیل گفتمان علامتهای دینی فضاهای فراغتی بپردازد، به دست نیامد. سوابق فارسی مرتبط، حاوی آثاری است که سطوح ادراک دینی و توحیدی مردم و متخصصان از المان‌های شهری را سنجیده است (خاک زند و قربان زاده، ۱۳۹۵؛ همتی و همکاران، ۱۳۹۶)، و یا بازنمایی عرفان اسلامی و هویت دینی را در معماری شهری (یعنی میزان همخوانی آثار معماری با سنت دینی را) مورد بررسی قرار داده است (باقری و حمزه نژاد، ۱۳۹۴؛ همتی و همکاران، ۱۳۹۶). مطالعات

۱ آمار دقیقی از جمعیت سالانه‌ی زائران مشهد در دسترس نیست. با این حال می‌دانیم که معاون هماهنگی و مدیریت امور زائران استانداری خراسان رضوی تعداد سالانه‌ی زائران را ۲۵ میلیون نفر اعلام کرده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴)، تولید آستان قدس این عدد را ۲۸ میلیون دانسته است (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۷) رئیس شورای شهر مشهد این رقم را ۳۰ میلیون نفر خوانده است (شهرآرا نیوز، ۱۴۰۱)؛ و برخی نیز رقم ۳۳ میلیونی را در این راستا تخمین زده‌اند (اسحاقی، ۲۰۱۵: ۲۸۳).

2 Habermas
3 Goonewardena

دیگر، بیشتر معطوف به نشانه‌شناسی المان‌های شهری، فارغ از جنبه دینی بوده است (به عنوان نمونه: حسنی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کامران، ۱۳۸۶؛ کامران، ۱۳۹۲؛ منفرد و همکاران، ۱۳۹۷؛ آدامی^۱، ۲۰۲۰؛ یائو و ژائو^۲، ۲۰۱۸؛ جئون و جئون^۳، ۲۰۱۲؛ و کرزیلانوسکا^۴، ۲۰۱۶).

از مرور آثار بیان شده می‌توان گفت که هرچند تحلیل محتوای علامت‌ها و نشانه‌های دینی در پارک و بوستان‌ها به عنوان یک فضای فراغتی، به عنوان یک موضوع به خصوص، تا به حال مورد توجه پژوهشگران نبوده است، اما با این حال، آثار یاد شده بینشی برای بررسی کیفی محتوای این آثار، به دست می‌دهند که برای مطالعه حاضر کاربردی و راهساز است.

تلقی این پژوهش از فضای شهری (به طور عام)، پارک‌ها و بوستان‌ها (به طور خاص)، المان‌های دینی حاضر در آنها و ارتباط این عناصر با یکدیگر، با کمک دو مفهوم نظری: «فضای عمومی» و «دین علامتی» تشریح می‌گردد. فضای بوستان‌ها و پارک‌های شهری - که کارکردی فراغتی دارند- به عنوان بخشی از فضای عمومی و به تعبیر تانکیس، جزء مهمی از میدان محسوب می‌شوند (تانکیس، ۱۳۹۴). فضایی که همواره بستر و تجلی‌گاه تعاملات اعضای جامعه، و محصول نهاد اجتماع و نهاد فرهنگ بوده است و می‌توان آن را به عنوان بخشی عینی، ملموس و مکان‌مند شده از حوزه مدنی (Civil Sphere) به تعبیر جفری الکسندر^۵ (۲۰۰۶) دانست که در آن فرهنگ جامعه تجلی یافته، بازیابی و برساخت می‌شود.

فضای عمومی، به غیر از جنبه فرهنگی و اجتماعی، بُعد سیاسی نیز دارد؛ چرا که «سیاست، خود را در فضا فاش می‌کند» (تانکیس، ۱۳۹۰: ۹۲). شهرها و اجزای آن (از جمله پارکها و بوستان‌ها)، مکان‌های شاخص قدرت رسمی هستند. شیوه‌های اقتدار سیاسی، حقوقی، قانونی، اقتصادی، پلیسی و نظامی در این فضا مادی و عینی می‌شود و قدرت سیاسی می‌تواند حول این فضایی که در اشغال دارد، خود را بازنمایی کند؛ و بدین طریق، از اختیارات جنبش‌های مدنی مخالف بکاهد (همان: ۹۲-۹۳). فضای عمومی، و یا همان نسخه مکان‌مندشده‌ی حوزه مدنی، همواره تا حدی به صورت نهادی مورد اعمال قدرت قرار می‌گیرد (الکسندر، ۲۰۰۶: ۳۱). بدین ترتیب با مطالعه فضای عمومی و نحوه طراحی فضایی آن، و همچنین علائم حاضر شده در آنجا می‌توان همواره ردپای امر سیاسی را مشاهده کرد. فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند و علاوه بر اینکه تجلی‌گاه رابطه عملکرد بین انسان و فضا است، از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز ارزش والایی دارند. این فضاها، ابزاری برای ارتباطات، مکان فرصت‌سازی برای رویارویی مستقیم شهروندان و محلی برای مدیریت و هماهنگ کردن شهروندان محسوب می‌گردند (حسینی و صابری، ۱۴۰۲).

1 Adami
2 Yinyan Yao & Yanfen Zhuo
3 Jeon & Jeon
4 Krzyżanowska
5 Jeffrey C. Alexander

اصطلاح دین علامتی (آیکونی) که الهام گرفته از نظریه پردازی بارتمانسکی و الکساندر^۱ (۲۰۱۲) در زمینه قدرت نمادین اشیا در عرصه فرهنگی است، توسط نات، کرک و میر^۲ (۲۰۱۶) در ارتباط با فضای شهری به طور به خصوصی مفهوم پردازی شده و شرح و بسط یافته است. در این پیش، مصنوعات بشری (اشیا، اشکال، ساختمان‌ها، اصوات و...) و گاه‌ها اجزا طبیعت، از حیث نقششان در ۱. حمل معنای دینی، و از این طریق ۲. تحقق دین در فضای شهری، اهمیت می‌یابند. نات و همکاران (۲۰۱۶) برآنند که اساسا کارکرد یک علامت^۳، یعنی ظاهر کردن چیزی که حضور ندارد، همواره یکی از وظایف ضروری دین بوده است. دین می‌خواهد، آنچه را که در دسترس نیست قابل دسترس، نادیدنی را دیدنی، غیرقابل لمس را لمس کردنی و ناشنیدنی را شنیدنی کند (از این حیث است که مطالعه علائم، همواره با دین و تاریخ آن پیوند داشته است).

در تعریف علامت دینی باید گفت: چیزی است که از طریق حمل حدی از شباهت کیفی با امر مقدس، آن را ظاهر می‌سازد، حتی اگر واقعا آن امر، وجود خارجی نداشته باشد. علامت یک چیز، نه کاملا شبیه یا یکسان با آن چیز، و نه کاملا متمایز از آن است، بلکه به شیوه‌ی خاصی (از طریق شباهتی که با آن دارد) بر آن دلالت می‌کند. علائم دینی آن معنایی را که در سنت دینی مورد تایید است، در محیط محقق می‌سازند، و فراتر از صرف نمایانگر بودن، حضوردهنده دین هستند. آنها هم عامل تجربه معنوی و هم جذب کننده آن به حساب می‌آیند (نات و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۳۰-۱۳۱). اشیا مختلفی، می‌توانند مصداقی از علامت دینی باشند: ساختمان‌ها، تصاویر، نقاشی‌ها، مکانها، مجسمه‌ها، پوشش‌ها یا قسمت‌هایی از لباس‌ها، متون، کتابها، ژست‌ها، تزئینات، ظروف، اصوات و ... در واقع هرکدام از این علامت‌ها، زمانی دینی هستند که ابزار ارتباط دینی باشند و در صورت استقرار، ادراک، رفتار و ارتباط را به سوی امر قدسی هدایت کنند؛ آنها می‌تواند دین را از جنبه‌های: تجربه‌ای، مادی، شناختی و عملی، رشد و پرورش دهند؛ و از این طریق، خودارجاعی آن را تقویت نمایند. باید توجه داشت که علامت‌های دینی، به میزانی که به عنوان «گویندگان مادی ارتباط مذهبی» عمل کنند، به همان میزان دین را مادی می‌سازند، در واقع آنها به دین جسمیت می‌بخشند و آن را مجسم می‌نمایند (همان: ۱۳۱-۱۳۳).

با این حال بلید توجه داشت که یک علامت دینی، معمولا مورد مناقشه قرار می‌گیرد چراکه مفاهیم، اشیا، احساسات و کنش‌هایی که به آن ارجاع می‌دهد، تقویت یا جذب می‌کند، همیشه چند معنایی و چند ظرفیتی هستند. لذا باید دانست که یک علامت دینی به طور ذاتی یا همیشگی حامل تشابه با یک مفهوم، تصویر، تجربه‌هدایت‌شده یا عمل دینی نیست، بلکه دینی بودن آن، بستگی به نوع بازنمایی، شیوه ادراک مخاطب (جمعی) و جنبه‌ای که در یک مطالعه مورد تاکید است، دارد؛ چراکه اشیا صرفا زمانی به عنوان علامت دینی عمل می‌کنند که دین عاملیت جمعی در یک اجتماع داشته باشد (همان: ۱۳۳-۱۳۴).

1 Bartmański, D., & Alexander
2 Knott, Krech & Meyer
3 Icon

مفهوم دین آیکونی، ابزار مفهومی مناسبی برای بررسی علامت‌های دینی بوستان‌ها و پارک‌های شهر مشهد - به عنوان بخشی از عرصه فراغتی که زیرمجموعه فضای عمومی قرار می‌گیرد - به دست می‌دهد. لذا با مبنا قرار دادن این مفهوم تلاش داریم روشن سازیم که آن مظاهر عینی دینی که توسط مدیران شهری (نهاد سیاست) در فضای پارک‌ها و بوستان‌ها (نهاد فراغت) حاضر شده‌اند، - و می‌توانند واکنش‌های متفاوتی را برانگیزند - حامل چه محتوایی هستند.

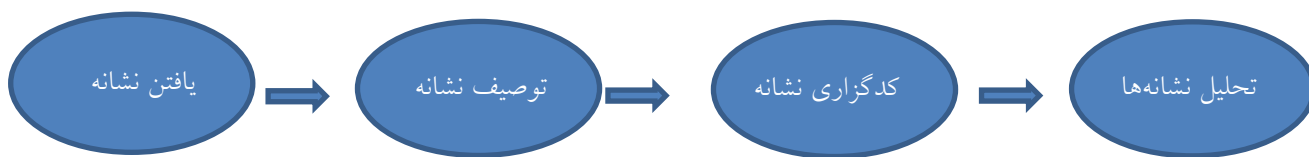
بنابراین هدف مطالعه حاضر، این است که با بررسی بزرگترین و مشهورترین بوستان‌های عمومی شهر مشهد، علامت‌های دینی را شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل کند تا بینشی از مضامین و مقولات اصلی بکار رفته در آنها به دست دهد. در واقع مطالعه حاضر در پی آن است که در حد توان، پاسخ پرسش‌های زیر را بیابد: دین در فضای بوستان‌های شهر مشهد از طریق چه عناصر، علامات یا نشانه‌هایی بازنمایی می‌شود؟ این علائم به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند و از چه تنوعی برخوردارند؟ و در نهایت، چه محتوا یا مقولاتی را در اختیار ما می‌گذارند؟

۲. روش شناسی

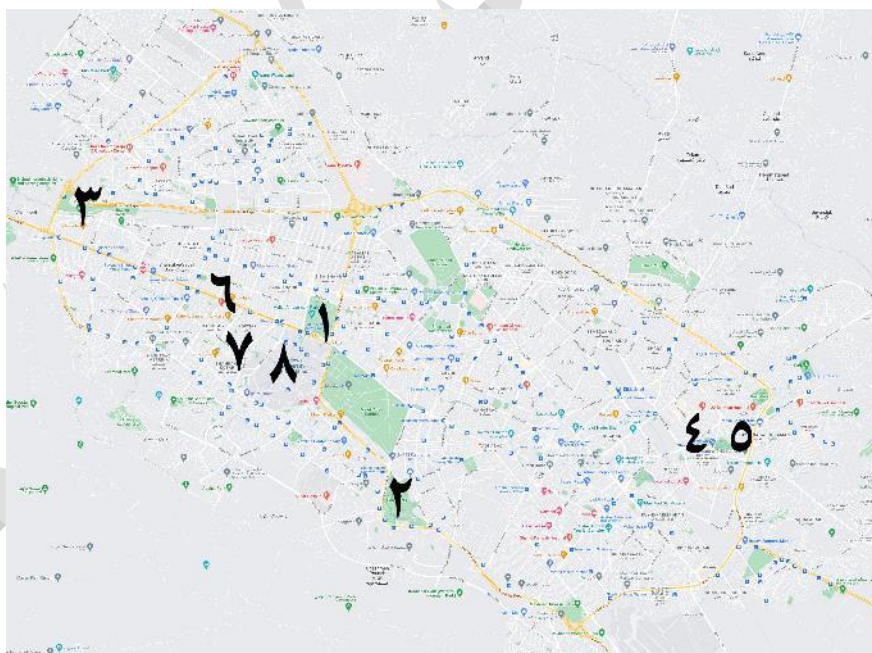
روش تحقیق مطالعه حاضر تحلیل محتوای کیفی علائم دینی است. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی، می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های معنادهی، و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت. در واقع هدف از تحلیل محتوا این است که اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ، تمایلات و ایدئولوژی خالق اثر شناسایی شود. تحلیل محتوای کیفی تلاش می‌کند تا اطلاعات را از طریق طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگو، مورد بررسی قرار دهد و معنای پشت آنها را شفاف و روشن نماید. در این روش عینیت یافته‌ها به وسیله نظام‌مندی فرایند رسیدن به آنها و میزان نظام‌مندی خودشان (در پایان فرایند)، معین می‌گردد (فلیک، ۱۳۹۴). در روش تحلیل محتوای کیفی، محقق دسته‌های اصلی را که چارچوب کدنویسی هستند می‌سازد. در ادبیات تحلیل محتوای کیفی، به این ابعاد یا دسته‌های اصلی

قاب کدگذاری می‌گویند (شرایر، ۲۰۱۲).^۱

در این تحقیق فرایند کد دهی سه مرحله‌ای طی شد. بدین صورت که پس از تهیه تصاویر از علائم (به وسیله دوربین شخصی و با حضور محققان) ابتدا توصیفی جامع و عینی از هر یک از واحدهای تصویری نوشته می‌شد (تولید متن). سپس بر روی متن تهیه شده، مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی پیاده می‌شد تا در نهایت، مقولات اصلی و مبنایی بازنماینده علامت‌های دینی انتزاع گردند.



ملاک دینی بودن یک علامت، همخوانی آن با مفهوم بیان شده در بالا بوده است؛ یعنی (با در نظر گرفتن شرایط ایران، که در آن اسلام دین رسمی است) آن علامت به صورت مستقیم ارجاعی اسلامی داشته باشد. معیار انتخاب پارک‌ها نیز، میزان وسعت و شهرت آنها و همچنین، پراکندگی توزیع آنها در سطح شهر بوده است؛ تلاش شده است تا تنوع منطقه‌ای و محله‌ای در این گزینش تا حد امکان رعایت شود. به طور کلی، ۸ پارک یا بوستان مورد بررسی قرار گرفتند؛ شامل دو کلان‌پارک ۱. ملت و ۲. کوهسنگی و همچنین بوستان‌های ۳. چهل‌بازه، ۴. امت، ۵. بهشت (یا گلشور)، ۶. گلها، ۷. کوثر و ۸. بوستان کوی دانشگاه. این ۸ پارک در چهار منطقه مختلف از شهر قرار می‌گیرند که نقشه توزیع آنها در زیر مشاهده می‌شود (در بخش یافته‌ها، مانند نقشه زیر، در جهت رهایت اختصار در متن، به جای ذکر نام هر پارک، شماره اختصاص داده شده به آن بیان شده است).



تصویر ۱. نقشه توزیع منطقه‌ای پارک‌های بررسی شده در سطح شهر مشهد

۳. یافته‌ها

پس از اتمام جمع‌آوری اطلاعات، به‌طور کلی ۸۲ علامت دینی منحصربه‌فرد از مجموع ۸ پارک به دست آمد. جدول زیر، سهم هرکدام از بوستان در فراوانی علائم دینی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی علائم دینی در پارکها/بوستان‌های مورد بررسی

نام پارک/ بوستان	تعداد علائم دینی
ملت	۴۶
کوهسنگی	۱۸
چهل‌بازه	۶
امت	۲
بهشت (گلشور)	۴
گلها	۳
کوثر	۱
کوی دانشگاه	۲
جمع	۸۲

تمامی علائم دینی احصا شده را می‌توان در سه گونه/قالب متمایز، دسته‌بندی کرد: سازه‌های حجمی، اماکن معین، و سازه‌های نوشتاری که در جدول زیر، مصادیق هرکدام ذکر شده است.

جدول ۲. دسته‌بندی سه‌گانه علائم دینی موجود در پارکهای سطح شهر مشهد^۱

علائم‌های دینی	مصادیق
سازه‌های حجمی	مجسمه‌ها و المان‌های خلاقانه
اماکن معین	نمازخانه‌ها، مساجد، قبور شهیدان و دانشمندان و عرفای اسلامی و محوطه‌های مختص زنان ^۲
سازه‌های نوشتاری ^۳	تابلوها، بنرها و اطلاعیه‌ها ^۴

۱ تاکید نگارندگان در این مطالعه بر جمع‌آوری علائم بصری بوده است. در برخی از پارک‌ها، طی ساعات معینی، علائم دینی غیربصری همچون صوت «اذان» و «صلوات خاصه امام رضا» نیز حضور می‌یابند. این امر در ایامی از سال همچون ماه‌ها محرم، صفر و رمضان، شکل خاص‌تری به خود می‌گیرد.

۲ محوطه‌های مختص به زنان به این دلیل به عنوان اماکن حاوی معنای دینی دسته‌بندی شده‌اند که در پیش از انقلاب اسلامی، شاهدی از اینکه دولت و شهرداری، پارک یا بوستانی را به صورت جنسیتی تفکیک کنند، در دست نداریم. چنین تفکیکی در محیط بوستان‌ها بعد از شکل‌گیری حاکمیتی اسلامی در ایران و در جهت رعایت حدود شرعی، رواج پیدا کرد.

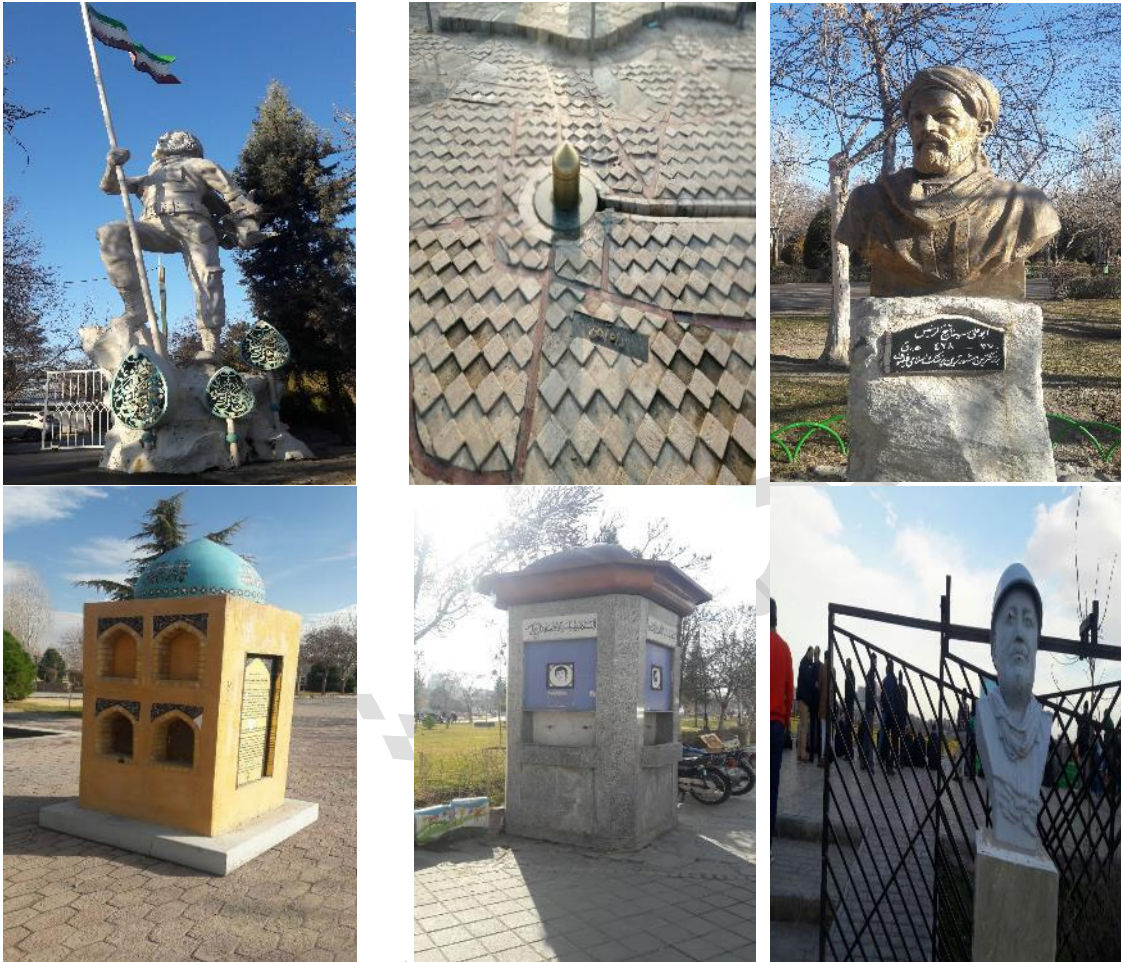
۳ سازه‌های نوشتاری را می‌توان به دو دسته موقتی یا دوره‌ای و دائم تقسیم کرد. دسته اول شامل آن دسته از علائمی می‌شود که در ایام خاص دینی (مانند ماه‌های محرم، صفر و رمضان) در فضای بوستان‌ها قرار می‌گیرند. و مورد دوم شامل آن دسته از علائمی است که فارغ از مناسبتی دینی، به طور معمول در فضای بوستان‌ها مشاهده می‌شود. در اثر حاضر صرفاً دسته دوم مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه دسته اول خود پژوهشی دیگر می‌طلبد.

۴ منظور از اطلاعیه‌ها، آن دسته از سازه‌های نوشتاری موجود در پارک‌ها است که برگزاری مناسک دینی روتین روزانه یا هفتگی (مانند مراسم نماز جماعت یا دعای دسته‌جمعی کمیل) را، اطلاع‌رسانی می‌کند.

سازه‌های حجمی (Three Dimensional-Physical Structures)

سازه‌های حجمی مجموعه آثاری هستند که در قالب مجسمه و المان‌های خلاقانه‌ی چندبعدی، پیام‌های دینی را در فضای بوستان‌ها منتقل می‌کنند. موارد مشاهده شده در پارک‌های مشهد عبارتند از: سازه گلدسته‌ی حرم امام‌رضا که بر بدنه‌اش عبارت «یا ضامن آهو» حکاکی شده است (بوستان ۲)؛ سازه‌ی سبزرنگی که به صورت سه بعدی عبارت «علی بن موسی الرضا» را نمایش می‌دهد. (بوستان ۲)؛ سازه فلزی مردی که گنبد امام‌رضا را (به عنوان سمبل شهر مشهد) در دست گرفته است. (بوستان ۲)؛ تصویر فلزی گنبد و گلدسته حرم که در مرکز درهای جدا کننده بخش بانوان پارک قرار دارد. (بوستان ۱)؛ مجسمه‌ای از یک مبارز دوران دفاع مقدس که پرچم ایران را برافراشته و در بخش زیرین آن، خطوط هنری اسلیمی قابل رویت است. (بوستان ۱)؛ نمایی برجسته از گنبد امام رضا در میانه محوطه‌ای مجزا شده از پارک (بوستان ۲)؛ مجسمه یادبود ابوعلی سینا به عنوان «بزرگترین و مشهورترین پزشک و فیلسوف اسلامی». (بوستان ۱)؛ سازه‌ای از مسجد گوهرشاد که بنای یادبودی از کشته‌شدگان تحصن کرده در آن مسجد، در دوران رضاشاه به حساب می‌آید (به همراه متن توضیحات مربوطه به سه زبان مختلف) (بوستان ۵)؛ سازه آبخوری که در چهار جهت آن عبارات عربی سلام بر بزرگان تشیع و تصاویر چهار شهید ایرانی قرار گرفته است (بوستان ۴)؛ مجسمه نیم تنه شهید خراسانی دوران دفاع مقدس (بوستان ۵ و بوستان ۱). در ادامه تصاویر تعدادی از این سازه‌ها مشاهده می‌شود.





تصویر ۲. نمونه عکس‌های «سازه‌های حجمی» دارای محتوای دینی در بوستان‌های مورد مطالعه

با لندکی دقت به دست می‌آید که تمامی سازه‌های حجمی موجود در بوستان‌ها، دین را از طریق ارجاع به علامت‌های نشانگر «شخصیت‌های شاخص اسلامی» (در راس آنها امام هشتم و سپس دیگر معصومین و بعد از آن دانشمندان اسلامی، شهدای جنگ ایران و عراق و شهدای کشتار مسجد گوهرشاد)، بازنمایی می‌کنند. این بازنمایی به صورت چشمگیری در دو ساحت «مشهد-خراسان» و «وطن-ایران» صورت می‌گیرد. در واقع همه علامت‌های حجمی موجود در بوستان‌ها - که هر کدام به نوعی بازنماینده شخصیت‌های شاخص مسلمان هستند - در دو مقیاس «محلی» و «وطنی» تقسیم می‌شوند. در ساحت محلی، شاهد علامت‌های مرتبط با امام رضا (به عنوان نماد و هویت شهر مشهد^۱ و حتی به طور کلی استان خراسان)، و سازه‌های مرتبط با شهدای مشهدی و خراسانی هستیم (شهدای جنگ ایران و عراق و ماجرای مسجد گوهرشاد). در ساحت وطنی نیز به دانشمندان مسلمان ایرانی، و شهیدان جنگ میان ایران و عراق به صورت کلی (فارغ از مشهدی بودن یا خراسانی بودن) اشاره می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که سازه‌های

۱ به گونه‌ای که حتی نام مشهد برگرفته از ماجرای شهادت و دفن ایشان است.

حجمی بوستان‌ها، پیام دینی هويت بخشی را از طریق ارجاع به شخصیت‌های شاخص مسلمان در دو مقیاس محلی و وطنی بازنمایی می‌کنند.

مکان‌های خاص (Special Places)

منظور از اماکن معین در اینجا مجموعه بناهایی در محیط بوستان‌ها است که هرکدام با اختصاص دادن فضایی به امور دینی، و یا با تقسیم دینی فضا، پیام‌های مذهبی را در پارک‌ها و بوستان‌های سطح شهر منتقل می‌کنند. این اماکن در قالب نمازخانه، مسجد، مقبره‌ی شهیدان، دانشمندان و عرفای اسلامی و همچنین محوطه‌های اختصاص داده شده به زنان ظهور و بروز می‌یابند. شاخص‌ترین موارد مشاهده شده در پارک‌های مشهد عبارتند از: ساختمان و بنای نمازخانه (بوستان‌های ۱، ۳، ۵، ۶ و ۷)؛ ساختمان و بنای مسجد (بوستان ۲)؛ مقبره شهدای گمنام جنگ ایران و عراق (بوستان ۱ و ۲) و مقبره عرفای اسلامی معاصر ایرانی به همراه متن زندگی‌نامه آنها (بوستان ۲). در ادامه تصاویر تعدادی از این سازه‌ها مشاهده می‌شود.





تصویر ۳. نمونه عکس‌های «اماکن خاص» دارای محتوای دینی در بوستان‌های مورد مطالعه

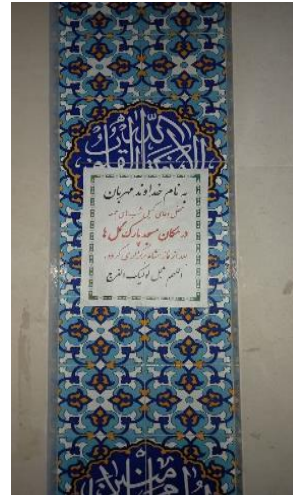
با اندکی دقت به دست می‌آید که این دسته از علائم به سه طریق مختلف، دین را در فضای بوستان‌ها و پارک‌ها بازنمایی می‌کنند. به تعبیر دیگر، سه نوع پیام مختلف دینی توسط این دسته از علائم در پارک‌ها انتقال داده می‌شود. نمازخانه‌ها و مساجد به عنوان اماکن مخصوص مناسک روزانه‌ی دینی و مکان‌هایی برای انجام کنش‌های عبادی و بندگی، مفهوم «عبادت» را در این فضا زنده می‌کنند. مزار شهدا، عرفای اسلامی و دانشمندان مسلمان ایرانی و خراسانی نیز -به همان طریقی که سازه‌های حجمی مرتبط چنین می‌کرد^۱- مفهوم «هویت» را در بعد محلی و ملی، در این فضا بازنمایی می‌کنند. درواقع حضور مقبره‌ی شخصیت‌های شاخص ایرانی و خراسانی در پارک‌ها(شهدا، دانشمندان و عرفا)، جنبه‌ای زیارت‌گون در راستای تایید و گسترش هویتی همخوان با آنها فراهم می‌کند. در آخر نیز باید به تفکیک مکان مخصوص فعالیت‌های بانوان اشاره کرد. از آنجا که چنین امری، در پیش از انقلاب اسلامی رواج چندانی نداشته است و بعد از شکل‌گیری حاکمیتی اسلامی در جهت رعایت حدود شرعی و تحقق قوانین فقهی رخ داده است، جنبه‌ای دینی و مذهبی دارد. تفکیک جنسیتی فضای پارک‌ها در جهت رعایت موازین شرعی بوده و از این جهت خصلتی «احکامی» دارد.

سازه‌های نوشتاری (Textual Structures)

منظور از سازه‌های نوشتاری، مجموعه علائمی است که از طریق متن و در قالب‌هایی چون تابلو، بنر و اطلاعیه، پیامی دینی را به مخاطب منتقل می‌کند. این دسته از علائم که به نسبت دو دسته‌ی دیگر از فراوانی بیشتری در فضای بوستان‌ها برخوردار است، به صورت متنی و نوشتاری موضوعی دینی را در آن محیط بازنمایی می‌کند. موارد مشاهده شده در پارک‌های مشهد عبارتند از: تابلویی که با ذکر ترجمه فارسی آیه‌ای از قرآن وجود منشا خدایی گیاهان و نعمتهای زمینی را یادآوری می‌کند و خواستار یادآوری نعمات خداوندی است(بوستان ۱)؛ تابلویی

۱ رجوع شود به توضیحات بخش سازه‌های حجمی.

که تلاش دارد با نشان دادن عواقب منفی غفلت از خدا، یاد او را در میان افراد زنده نگه‌دارد (بوستان ۱)؛ اعلامیه‌ای که برگزاری مراسم دعای کمیل در مسجد پارک را اطلاع‌رسانی می‌کند (بوستان ۶). بنرها و همچنین تابلوهای ممنوعیت ورود حیوانات به پارک، معابر و اماکن عمومی به استناد قانون مجازات اسلامی و یا با اشاره به رعایت حقوق شهروندی (بوستان‌های ۱، ۲، ۳، ۶ و ۸)؛ اطلاعیه جداسازی دستگاه‌های ورزشی بانوان از آقایان (بوستان ۳)؛ تابلو دعوت بانوان به رعایت حجاب اسلامی با ذکر مصراع دوم بیت مشهور (که در مصراع اولش به حضرت زهرا اشاره می‌شود «ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است») همراه با تصویری از خانمی با چادر سیاه که در فرهنگ شیعه ایرانی نماد و یادآور حضرت زهرا است (بوستان ۸)؛ تابلوی ضروری دانستن رعایت احتیاط در پوشش بانوان (بوستان ۱)؛ تابلوی دعوت به رعایت حجاب (اسلامی) با استفاده از تصویر و تشبیه بصری (بوستان ۱)؛ تابلو الزام به رعایت شئونات اسلامی در محیط پارک (بوستان ۳)؛ صفحه الکترونیکی اعلان به ورزشکاران که آنها را به حفظ موازین شرعی دعوت می‌کند (بوستان ۱)؛ اطلاعیه ممنوع بودن ورود آقایان به بخش بانوان. به همراه نوشته‌ای که بانوان را به رعایت حجاب در فضای مخصوص خودشان توصیه می‌کند چرا که وسایل عکاسی و موبایل‌های شخصی در این فضا وجود دارند. (بوستان ۱). لوح فلزی یادمان افتتاح بوستان که در آن به «عنايات خداوند متعال» و «سایه توجهات حضرت ولی عصر عج» و «مجاوران حریم قدس رضوی» اشاره شده است. (بوستان ۳)؛ لوح فلزی «سند افتخار» که با اشاره به موفقیت «انقلاب اسلامی» و پیروزی «اسلام ناب محمدی در دوران دفاع مقدس»، شکلگیری «حکومت امام زمان» را تبریک می‌گوید و به آن افتخار می‌کند. این لوح نقش اساسی مبارزان و روحانیان «خراسانی» را در دوران انقلاب و جنگ پررنگ کرده و بر مبارزان «میهن اسلامی و راه ولایت» درود می‌فرستد (بوستان ۴)؛ تابلویی که حدیثی از امام صادق را درباب نیازهای مشترک و بنیادین انسان‌ها نقل می‌کند (بوستان ۱)؛ تابلوی حدیثی از امام علی درباب ارزشمندی حیا (بوستان ۱)؛ تابلوهای احادیثی از معصومین که همگی درباب ارزش و فواید والای اخلاقی است (بوستان ۱)؛ تابلوی حدیثی از پیامبر درباب نیکویی آرامش و وقار (بوستان ۱)؛ تابلوی حدیثی از پیامبر که به مهربانی با کودکان توصیه می‌کند (بوستان ۱). مجموعه تابلوهای راهنما که جهت قبله، مسیر نمازخانه و یا مسجد را نشان می‌دهند (بوستان‌های ۱، ۲، ۳ و ۴)





تصویر ۳. نمونه عکس‌های «سازه‌های نوشتاری» دارای محتوای دینی در بوستان‌های مورد مطالعه

این دسته از علائم، به طرق متنوع و متعددی دین را در فضای بوستان‌ها و پارک‌ها بازنمایی می‌کنند. نوشته‌هایی که به رعایت موازین شرعی، حجاب زنان، تفکیک زنان از مردان و عدم حضور حیوانات خانگی در محیط بوستان‌ها دلالت می‌کنند، با ذکر قوانین شرعی، جنبه‌ای «احکامی» از دین را بازنمایی می‌نمایند. باید بیان داشت که این دسته از علائم، ادبیات دوگانه‌ای دارند؛ برخی از آنها با تاکید بر برخورد قانونی با متخلفین و اشاره به امکان پیگیری قضایی

طبق قانون مجازات اسلامی، لحنی «تهلیدی-تنبیهی» پیدا می‌کنند. برخی دیگر لها با عدم تاکید بر چنین مواردی و گاهی با اشاره به اهمیت رعایت حقوق دیگری و حفظ حقوق شهروندی، و همچنین ذکر فواید رعایت این موازین، لحنی «ترویجی-اقتناعی» به خود می‌گیرند. آن دسته از نوشتارهایی که در قالب الواح فلزی، تاریخ افتتاح بوستان را با اشاره به مجاورت حریم رضوی، و ذکر برکات انقلاب اسلامی و یادآوری مجاهدت‌های مبارزان در دوران جنگ بازنمایی می‌کنند، جنبه‌ی «هویتی» دین را در دو مقیاس «محلی و ملی» زنده نگه می‌دارند. تابلوها و نوشتارهایی که مسیر نمازخانه، مسجد، جهت قبله و یا زمان برگزاری دعای کمیل را نشان می‌دهند، با دلالت بر «مناسک» دینی، مفهوم «عبادت» را بازنمایی می‌کنند. همچنین آن دسته از علائم نوشتاری که در قالب آیه، حدیث یا جمله‌ای ادبی، ذکر خداوند و نعماتش را منتقل می‌کنند، با دلالتی «عرفانی» مفهوم «عبادت» را منتقل می‌نمایند. در آخر نیز باید به آن دسته از نوشتارها اشاره کرد که با نقل احادیثی از معصومین، مخاطب را به رعایت اخلاقیات دعوت می‌کنند و ارزش صفات مختلف اخلاقی را، با استناد به متون دینی، یادآور می‌شوند. این دسته از علائم نوشتاری، جنبه‌ی «اخلاقی» دین را در فضای بوستان‌ها و پارک‌ها بازنمایی می‌کنند.

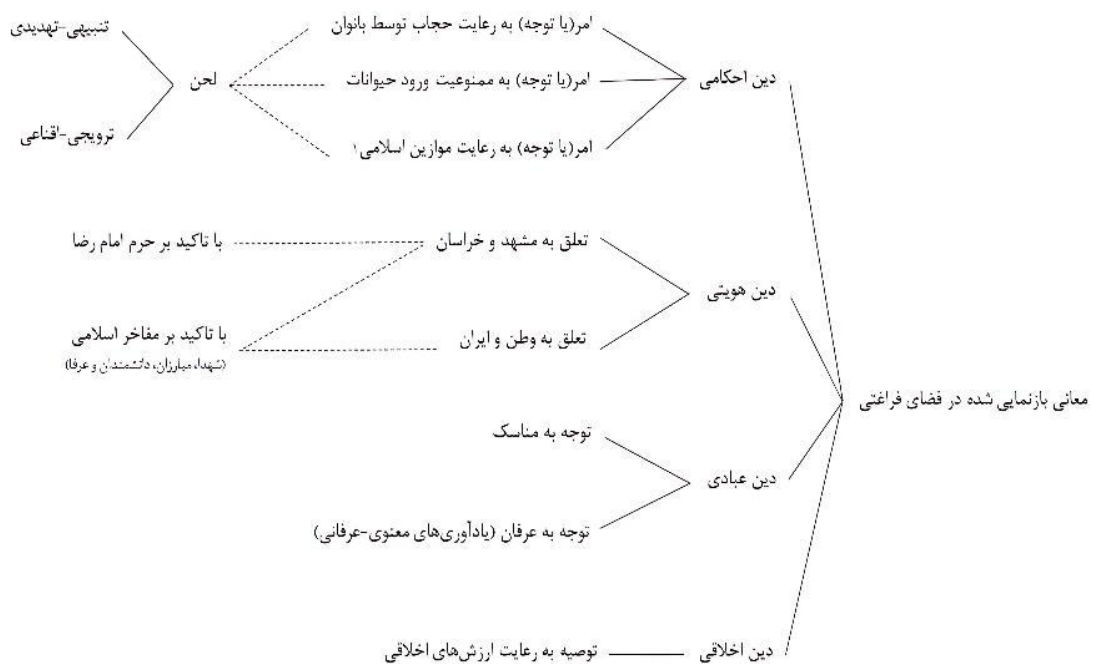
در مقام جمع‌بندی یافته‌ها باید بیان کرد که، پس از بررسی ۸ پارک مختلف در سطح شهر مشهد، ۸۲ علامت دینی منحصر به فرد-طبق تعریفی که نات و همکاران (۲۰۱۶) از این مفهوم ارائه کرده‌اند- به دست آمد. این علائم را می‌توان در سه قالب «سازه‌های حجمی»، «اماکن خاص» و «سازه‌های نوشتاری» دسته‌بندی کرد. هرکدام از این علامت‌ها، محتوای دینی را به شیوه‌های مختلف و با مقوله‌های گوناگونی بازنمایی می‌کند که می‌توان تمامی آنها را ذیل چهار ساحت کلان دینی (یا چهار نوع مختلف دینی) قرارداد: «ساحت احکام» (دین احکامی^۱)، «ساحت هویت» (دین هویتی^۲)، «ساحت عبودیت» (دینی عبادی^۳) و «ساحت اخلاق» (دین اخلاقی^۴).

در «ساحت احکام»، علائم دینی بازنماینده ضرورت و الزام رعایت قواعد و موازین شرعی-فقهی هستند. موضوع این موازین شرعی (به غیر از مواردی که با زبانی کلی و بدون ذکر مصداق بیان شده است)، عموماً معطوف به جنسیت (تفکیک کردن فضای زنان از مردان و تاکید بر رعایت پوشش اسلامی توسط بانوان) و حیوانات (ممنوعیت حضور حیوانات خانگی) است. این تاکید در فضای بوستان‌ها با دو لحن متمایز-تنبیهی-تهلیدی (اشاره به عواقب منفی عدم رعایت قوانین اسلامی) و توصیه‌ای-ترویجی (اشاره به خوب/مفید/مناسب بودن رعایت قواعد اسلامی) صورت می‌گیرد. منظور از «ساحت هویت»، آن دسته از علائم دینی هستند که با تاکید بر عناصر شهری-محلی-استانی (حرم امام رضا، مبارزان، شهدا و بزرگان مسلمان مشهدی-خراسانی) و یا عناصر ملی (مبارزان و شهدای جنگ و انقلاب، دانشمندان و عرفای اسلامی ایرانی) هویت معینی را نزد مخاطب برجسته و بازنمایی می‌کنند؛ هویتی اسلامی که با تعلق خاطر به مشهد/خراسان و وطن/ایران در دو قیاس «محلی» و «ملی» بازنمایی و بر ساخت می‌شود.

-
- 1 Jurisprudential Religion
 - 2 Identical Religion
 - 3 Worshipful Religion
 - 4 Ethical Religion

درواقع در اینجا دین به هویت شهری/استانی و ملی/ایرانی پیوند می‌خورد و با آن ممزوج می‌شود و هویت «مسلمان انقلابی مشهدی» و «مومن مبارز ایرانی» را بازنمایی میکند. ذیل «ساحت عبودیت»، آن دسته از علائم دینی قرار می‌گیرد که بر محور عبادت و ذکر خداوند می‌چرخد و خودش را در دو قالب «مناسکی» (بازنمایی نماز و دعای جمعی) و «عرفانی» (ذکر خداوند بدون انجام مناسکی خاص) نشان می‌دهد. «ساحت اخلاق» نیز آن دسته از علائمی را در خود جای می‌دهد که مفاهیم و ارزش‌های عام اخلاقی را، با زبانی دینی، یعنی با استناد به آیات، احادیث و روایات، بازنمایی می‌کند.

باید توجه داشت که میزان بازنمایی و کیفیت حضور این انواع دینی، یکسان و مساوی نیستند. «دین هویتی» و «دین عبادی» کیفیت حضور پررنگ‌تری از دو دسته دیگر دارند؛ و «دین اخلاقی»، کمترین میزان بازنمایی را در فضای پارک‌ها و بوستان‌ها به خود اختصاص می‌دهد. نمودار زیر خلاصه مقولات و مفاهیم اصلی به دست آمده را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. خلاصه یافته‌ها؛ مفاهیم چهارگانه‌ی علائم دینی و کیفیت بروز آنها در پارک‌ها و بوستان‌های شهر مشهد

۴. بحث

پارک‌ها و بوستان‌ها، به عنوان یکی از شاخص‌ترین نموده‌های فضای فراغتی، ذیل فضای عمومی قرار می‌گیرند که فرهنگ جامعه در آنجا، از طریق تقابل و تعامل با حوزه سیاست برساخته می‌شود. فضای عمومی، و یا همان نسخه مکان‌مندشده‌ی حوزه مدنی، همواره تا حدی به صورت نهادی مورد اعمال قدرت قرار می‌گیرد (الکسندر، ۲۰۰۶: ۳۱).

در ایران پس از انقلاب، که حاکمیت خصیصه دینی به خود گرفته است و رسماً خود را موظف به تسهیل، ترویج و تشدید دین و دینداری در میان مردم کرده است، باید انتظار دخالت و نفوذ حوزه سیاست در فضای عمومی را داشت؛ امری که همواره خودش را در چینه فضا و نحوه مدیریت اجزای درون آن نشان می‌دهد (تانکیس، ۱۳۹۴). براین اساس، همانطور که لشگری تفرشی و همکاران (۱۳۹۶) در ساحت نظری نشان داده‌اند، تحلیل محتوای عناصر مادی دینی حاضر شده در فضای پارکهای شهر مشهد (شهری که خود خصلتی دینی دارد) را نیز می‌توان در راستای درک ایدئولوژی نهاد سیاست فهم کرد که همواره در نهاد اجتماع حضور پیدا می‌کند.

پیش از این، مطالعات چندی، رایج‌سازی امر دینی به دست نهاد سیاست در ایران پس از انقلاب را نشان داده‌اند. به عنوان نمونه در آثاری از شریعتی و ذاکری (۱۳۹۴) و نیز ذاکری (۱۳۹۹) سیاست‌های قدسی‌سازی مکان‌ها و زمان‌ها و عمومی‌سازی دین در ایران معاصر تشریح شده‌اند. همچنین شریعتی و سروش فر (۱۳۹۶) ایدئولوژی دینی و گذشته‌نگر حاکمیت را در سیاست‌گذاری تقویم رسمی کشور جهت تثبیت هویت اسلامی-انقلابی نشان داده‌اند. فولادیان و همکاران (۱۴۰۰) نیز گزارشی از رشد کمی‌بازنمایی آئین‌های شیعه با فعالیت پررنگ حاکمیت در روزنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی ارائه کرده‌اند. مطالعه‌ی حاضر از این حیث، مصداقی دیگر از این عمومی‌سازی امر دینی در ایران پس از انقلاب محسوب می‌شود و با تمرکز بر محدوده‌ی فضای فراغتی، در تکمیل، تایید و طول این دسته از مطالعات قرار می‌گیرد. می‌توان گفت ضعف مقوله «دین اخلاقی» در شدت‌بازنمایی و کم‌رنگ بودن حضورش در فضای فراغتی -در مقایسه با مقولات «دین هویتی» و «دین احکامی»- که از یافته‌های اثر حاضر به حساب می‌آید، به گونه‌ای دیگر ضعف امر اخلاقی و فاصله گرفتن آن از امر دینی در جامعه امروز را که از نتایج کار ذاکری (۱۳۹۹) است، تایید می‌کند. به زبان دیگر، حضور انواع چهارگانه‌ی دینی در فضای فراغتی (فضایی که ماهیتا خصلتی ناسوتی دارد و جدا از امر قدسی و لاهوتی تعریف می‌شود) می‌تواند مصداقی دیگر از عمومی‌سازی دین و تقدس‌زدایی از امر مقدس به حساب آید که ذاکری (۱۳۹۹) و شریعتی و ذاکری (۱۳۹۴) به تفصیل تشریح کرده‌اند. همچنین باید بیان داشت که پیش از این، اسلامی و ذکایی (۱۳۹۹) نشان داده‌اند که در باب مناسبت اربعین، گفتمانی که بیشترین قدرت را در بازنمایی میان صفحات رسانه‌های مکتوب ایران به خود اختصاص می‌دهد، گفتمانی است که حول «هویت»، «اقتدار» و «شکوه» شیعیان تعریف می‌شود. حضور پررنگ «دین هویتی» در فضای فراغتی، از جنبه‌ای دیگر، این یافته‌ی آن‌ها را تایید و تکمیل می‌کند.

پیشتر از این، در مطالعات خارج از ایران، کانفورتی^۱ (۲۰۱۲) نقش مراسم‌های دینی، عناصر سنتی و روزهای مقدس یهودی را در شکل‌گیری و تداوم هویت ملی‌گرایی یهودی (صهیونیزم) نشان داده است. جادن^۲ (۲۰۱۲) نیز نقش جشن‌های سالگرد ۱۹۱۰ شیلی در شکلگیری و بازتولید گفتمانی از هویت ملی را بررسی کرده است. همچنین گیلبرت^۳ (۲۰۱۵) نقش مناسک جمعی در تقویت هویت، لیدئولوژی و عمل گروه‌های راست‌گرای روسیه و

1 Conforti
2 Tjaden
3 Gilbert

کاپرالسکی^۱ (۲۰۱۲) تاثیر آئین‌ها و مناسک یادآوری را در شکلگیری و تقویت نوعی از هویت ملی-قومی رومانیایی نشان داده است. اثر پیش‌رو، از این حیث، با استخراج «دین هویتی» در دو ساحت «محلی» و «ملی» که با گفتمان هویتی حاکمیت ایران همراستا است، موید پژوهش‌های یادشده است؛ و با تمرکز بر فضای عمومی فراغتی کشورمان، به تکمیل مطالعات پیشین در این حوزه کمک می‌کند.

تاکید بر حضور مادی ساحت‌های چهارگانه دین در فضای عمومی پارکهای سطح شهر مشهد، به خصوص ساحت «هویتی» «احکامی» و «عبادی» را می‌توان در راستای مباحث اسمیث^۲ (۲۰۰۳) در باب استفاده از عناصر دینی در خلق و تثبیت هویت ملی مطلوب حاکمان در دوران مدرن، فهم کرد. همانطور که اسمیث (۲۰۰۳) بیان می‌دارد، پس از ایجاد یک هویت جمعی و ملی، عناصر دینی و فرهنگی می‌توانند به عنوان ضامن و راهنمای آن هویت در نظر گرفته شوند و نخبگان قدرت از آنها برای تثبیت و حفظ میراث خاطرات، اسطوره‌ها، ارزشها و سنت‌هایی که الگوی آن هویت جمعی را تشکیل می‌دهند، استفاده کنند، و از این طریق، بقای قدرت خودشان را تداوم بخشند. در واقع «علامت‌های دینی» به طور کلی، و علامت‌های «دین هویتی» به طور خاص باید بخشی از مکان‌ها و عناصر نمادینی دانسته شود که در نگاه میژتال^۳ (۲۰۰۳) افراد جامعه در تعامل با آنها گذشته، تاریخ و هویت خود را می‌خوانند، آن را مجدداً کشف و «یادآوری» می‌کنند و از این طریق حافظه جمعی خویش را شکل می‌دهند و تداوم می‌بخشند. بروز و ظهور جنبه‌های مختلف دین (احکامی، هویتی، عبادی و اخلاقی) در قالب علائم بصری و فضایی در فضای عمومی - فراغتی، را می‌توان خرج کردن از سرمایه نمادینی است که در بعد از انقلاب اسلامی در دست حاکمیت افتاد و نهاد سیاست از آن زمان به بعد، در تلاش است تا با استفاده از آن سرمایه دینی، سوژه مطلوب خود با هویتی ویژه، یعنی انسان «مومن» و همزمان «انقلابی» را در حوزه عمومی بر ساخت کند. این همان کاری است که هابزباوم (۲۰۰۰) آن را ابداع و گسترش سنت به مثابه ابزاری برای انسجام اجتماعی، معنابخشی به شرایط، و انطباق با آن با هدف تثبیت هویتی که مشروعیت نظام سیاسی را حفظ می‌کند، به حساب می‌آورد.

۵. نتیجه‌گیری

در این مطالعه، با تمرکز بر عناصر مادی و فضایی حاضر در بوستان‌های شهری (به مثابه نمودی از فضای عمومی و فراغتی)، معانی دینی بازنمایی شده در آنها استخراج و در چهار دسته «احکامی»، «هویتی»، «عبادی» و «اخلاقی» دسته‌بندی شدند؛ و در این راستا، ردپای سیاست‌فضا و کنشگری قدرت مسلط مورد بحث قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده در این موضوع، تغییرات فضایی دوره‌ای، بازه‌ای و موقتی که در چنین محیط‌هایی به مناسبت ایام خاص دینی و سیاسی (شهادت یا ولادت معصومین، ماه رمضان، دهه فجر و ...) رخ می‌دهند، مورد توجه قرار بگیرند. همچنین، نیاز است که فارغ از پارکها و بوستان‌ها، دیگر مصادیق حوزه عمومی و عرصه‌های فراغتی،

1 Kapralski
2 Smith
3 Misztal

همچون کافه‌ها، سینماها، مراکز خرید و ... نیز از این حیث مورد بررسی و مطالعه محققان قرار بگیرند. لازم به ذکر است که تاکید این مطالعه بر تحلیل محتوای علائم دینی فضایی بوده است؛ پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده، فارغ از بررسی صرف این علائم، واکنش‌ها، تفهیم‌ها و نحوه تعاملات کنشگران، به مثابه مصرف‌کنندگان فضای شهری و مخاطبان این علائم، مورد توجه قرار بگیرد.

کتابنامه

- اسلامی، ر؛ ذکایی، م، (۱۳۹۹)، بازنمایی رسانه‌ای مناسک زیارت اربعین در ایران؛ سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۲، پیاپی ۵۰، صص ۳۶-۱.
- باقری، ح. و حمزه نژاد، م. (۱۳۹۴). ارتقاء هویت ورودی ایستگاه‌های متروی شهر تهران با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگی. هویت شهر، ۹-۲۲.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی سیاسی. نشر نی.
- تانکیس، (۱۳۹۴). فضا، شهر و نظریه‌های اجتماعی مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری. موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی میان‌رودی، ن.، ماجدی، ح.، سعیده زرآبادی، ز. و زیاری، ی. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی میزان خاطره‌انگیزی فضاهای شهری با استفاده از الگوهای نشانه‌شناختی، مورد مطالعاتی: میدان‌های آزادی و حسن‌آباد. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۲، ۲۹.
- حسینی، علی و صابری، علی. (۱۴۰۲). تحلیل نقش فضاهای عمومی در ارتقای سرزندگی محلات شهری (مورد مطالعه: محله بنسنگان شهر یاسوج). جغرافیا و توسعه فضای شهری. ۱۰ (۱) ۱۷۵-۱۹۸.
- خاک‌زند، م. و قربان‌زاده، د. (۱۳۹۵). نگاهی پدیدارشناسانه به طراحی مناظر مقدس شهری. پژوهش‌های منظر شهر، ۳ (۵).
- خبرگزاری دانشجویان (۱۳۹۸). آیت‌الله علم‌الهدی: دشمنان مشهد را دهکده‌ای تصور می‌کنند که من کلدای آن هستم/ با موسیقی مشکلی ندارم ولی کنسرت موسیقی نیست. بازیابی از خبرگزاری دانشجویان: <https://snn.ir/fa/news/>
- خبرگزاری صداوسیما. (۱۳۹۷، مرداد ۲). تولیت آستان قدس رضوی: سالانه ۲۸ میلیون نفر زائر حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام هستند. بازیابی از خبرگزاری صداوسیما: <https://www.iribnews.ir/009AOG>
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۴، خرداد ۵). مشهد مقدس سالانه میزبان ۲۵ میلیون زائر و گردشگر است. بازیابی از خبرگزاری مهر: <https://mehrnews.com/xvv68>
- دنیای اقتصاد. (۱۴۰۱). علم‌الهدی: مشهد گردشگر و شهروند ندارد، زائر و مجاور دارد. بازیابی از دنیای اقتصاد: <https://donya-e-qtasad.com/fa/tiny/news-3900173>
- ذاکری، علیرضا. (۱۳۹۹). در نسبت امر قدسی و اخلاق در جامعه پسا انقلابی؛ قدسی تقدس زدایی شده. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال ۱۶. شماره ۸
- ژلنیتس، آ. (۱۳۹۵). فضا و نظریه اجتماعی. (آ. ترکمه، مترجم) تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

شریعتی، س و ذاکری، آرمان (۱۳۹۴). موقعیت دین در جامعه ایران: قدسی تقدس‌زدایی شده، در «گزارش وضعیت اجتماعی کشور»، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم

شریعتی، سارا و سروش‌فر، زهره (۱۳۹۶) بررسی سیاست زمانی حاکم بر تقویم ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۱، صص ۸۹-۶۷

شهرآرانیوز. (۱۴۰۱، خرداد ۱۸). *مشهد سالانه میزان سی میلیون زائر است*. بازیابی از شهرآرانیوز: <https://shrr.ir/000T3p>

فلیک، ا. (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. تهران: نشر نی.

فولادیان، م. و واعظ‌موسوی، س. و عرفانیان خدیوی، ن. (۱۴۰۰). *صدسال سوگ و سرور: بازنمایی آئین‌های دینی سوگوارانه و شادمانه در مطبوعات سده‌ی اخیر تهران (۱۳۰۰-۱۳۹۹)*. تهران: نشر شهر.

کامران، ا. (۱۳۸۶). *نشانه‌شناسی تبلیغات شهری در ایران (با تأکید بر بیلبردهای سطح شهر تهران)*. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳(۸)، -

کامران، ا. (۱۳۹۲). *نشانه‌های بارتی؛ به کارگیری رهیافت نشانه‌شناسی بارت در تحلیل عکس*. *سوره اندیشه*، شماره ۶۱-۶۹، ۲۳۴-۲۳۸.

لشگری‌نفرشی، ا. رضایی، م و کاویان‌پور، گ. (۱۳۹۶). *تبیین نظری کارکردهای قدرت سیاسی در فضای شهری*. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۲(۲)، ۵۲-۶۶.

منفرد، ن. حق‌بین، ف. و ساسانی، ف. (۱۳۹۷). *معنای‌داری رنگ در آگهی‌نماهای بهار فاطمی شهر تهران*. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۸(۱۶)، ۲۰-۲۱.

همتی، ش. ا. بمانیان، م. و کاملی، م. (۱۳۹۶). *جایگاه ذکر در طراحی عناصر زیباسازی شهری؛ نمونه موردی: شهر قم*. مدیریت شهری، ۱۶(۳) (پیاپی ۴۸)

همشهری آنلاین. (۱۳۹۵). *مخالفت آیت‌الله علم‌الهدی با کسرت و گردشگری در مشهد؛ اینجا شهر عیاشی نیست*. بازیابی از <https://hamshahrionline.ir/x/>

- Abrahamian, E. (2017). *A History of Modern Iran*.
- Adami, E. (2020). *Shaping public spaces from below: the vernacular semiotics of Leeds Kirkgate Market*. *Social Semiotics*, 30(1), 89-113.
- Alexander, J. C. (2006). *Global civil society*. *Theory, Culture & Society*, 23(2-3), 521-524.
- Bartmański, D., & Alexander, J. C. (2012). *Introduction: Materiality and meaning in social life: Toward an iconic turn in cultural sociology*. In *Iconic power* (pp. 1-12): Springer.
- Conforti, Yitzhak. (2012). *Zionist Awareness of the Jewish Past: Inventing Tradition or Renewing the Ethnic Past?*. *Studies in Ethnicity and Nationalism: Vol. 12, No. 1*
- Eshaghi, P. (2015). *To Capture a Cherished Past: Pilgrimage Photography at Imam Riza's Shrine, Iran*. *Middle East Journal of Culture and Communication*, 8(2-3), 282-306.
- Gilbert, G. (2015) *Rightist Ritual, Memory and Identity Commemoration in Late Imperial Russia, Revolutionary Russia*, 28:1, 22-47, DOI: 10.1080/09546545.2015.1037106
- Goonewardena, K. et.al. (eds.) *Space, Difference, Everyday Life (Reading Henri Lefebvre)*, Routledge, 2008.
- Habermas, J (1991) *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*, translated by Thomas Burger, Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.

- Hobsbawm, E. & Ranger (2000), *The Invention of Tradition*, United Kingdom: Cambridge University Press
- Hooglund, E., & Royce, W. (1985). The Shi'i clergy of Iran and the conception of an Islamic state. *State, Culture, and Society*, 1(3), 102-117 .
- Jeon, H. Y., & Jeon, J. Y. (2012). A comparative study of branding cities through semiotic analyses of the official websites os Seoul, Tokyo and Beijing.
- Kapralski, S. (2012). Symbols and Rituals in the Mobilisation of the Romani National Ideal, *studies in ethnicity and nationalism*. Vol. 12, No. 1,
- Khalaji, M. (2011). Iran's regime of religion. *Journal of International Affairs*, 131-147 .
- Knott, K., Krech, V., & Meyer, B. (2016). Iconic religion in urban space. *Material Religion: The Journal of Objects, Art and Belief* (Vol. 12, pp. 123-136): Taylor & Francis.
- Krzyżanowska, N. (2016). The discourse of counter-monuments: semiotics of material commemoration in contemporary urban spaces. *Social semiotics*, 26, 5, 465-485.
- Misztal, B. (2003). *Theories of social remembering*: McGraw-Hill Education (UK).
- Schreie, Margrit, (2012), *Qualitative Content Analysis in Practice*, SAGE Publications Inc, London EC1Y 1SP
- Smith, Anthony. (2003). *Chosen Peoples*. New York: Oxford University Press
- Tjaden, Jasper.(2012). The (Re-)Construction of 'National Identity' through Selective Memory and Mass Ritual Discourse: The Chilean Centenary, 1910. *Studies in Ethnicity and Nationalism*: Vol. 12, No. 1
- Yao, Y., & Zhuo, Y. (2018). A Multimodal Discourse Analysis of the Promotional Video of Hangzhou. *English Language Teaching*, 11(10), 121-131.